

# تأملی بر چستی ایمان در مسیحیت و اسلام

هاجر نیلی احمدآبادی  
دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات، رشته‌ی فلسفه و کلام اسلامی

کلیدواژه‌ها: ایمان، باور قلبی، تصدیق، اقرار زبانی.

## چکیده

مقوله‌ی

ایمان از دیرباز

در حوزه‌ی دین از

مباحث مهم و

سؤال برانگیز متکلمان و

دین داران بوده و هست. اکثر

دین پژوهان و عالمان دینی،

درباره‌ی این موضوع و پیامدها و لوازم

آن به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. محور

اساسی این بحث را، بررسی چستی ایمان شکل

می‌دهد. از این رو برای فهم دقیق این مطلب، ابتدا

به بررسی ایمان در مسیحیت، به ویژه در متون مقدس و

کلام مسیحی پرداخته شده و تعبیراتی از ایمان، مانند

مهم ترین واژه برای ارتباط خدا با انسان و تصمیم گیری جسورانه

انسان برای خدا، مبنی بر کناره گیری از دنیا، در این پژوهش بررسی

شده است. سپس جست‌وجویی اجمالی در آیات قرآن و نظرات برخی

متکلمان اسلامی از منظر کلام در اسلام صورت گرفته است که در این نگاه،

با تعبیراتی چون باور قلبی و تصدیق در خصوص ایمان روبه‌رو هستیم.

## اهمیت بررسی مفهوم ایمان

هر انسانی مرجعی نهایی در زندگی دارد که سرشت اساسی زندگی او را تشکیل می‌دهد. این مرجع نهایی ایمان است. به دلیل این که انسان‌ها می‌خواهند مسئولانه زندگی کنند، لازم است که حقیقت ایمان خویش را بشناسند و برای موجه ساختن تعهدات اساسی زندگی‌شان، دلایل معقولی در اختیار داشته باشند. اگر کسی ایمان را صرفاً جلوه‌ای از تمایلات خودسرانه، پیش‌داوری‌ها و انتخاب کورکورانه بداند، دچار تحریف جدی در سرشت ایمان شده است. اگرچه ایمان صرفاً در گرو رسیدن به نتیجه‌ای بر پایه‌ی شواهد و استدلال نیست، لیکن حالتی از تعهد یا شیفتگی است که یافتن توجیه عقلانی برای آن ضروری است. کسانی که درگیر بررسی مسائل ایمان هستند، باید متوجه این مطلب باشند که چه چیزهایی را به عنوان شالوده‌ی اندیشه‌ی خود مسلم انگاشته‌اند و چه چیزهایی را قابل اثبات و انکار می‌دانند.

ایمان از چنان اهمیتی برخوردار است که نمی‌توان بدون بررسی رهایش کرد. ایمان به داور ما درباره‌ی واقعیت بنیادی واپسین ارزش مربوط می‌شود. بنابراین، موضوع ایمان به همه چیز معنا می‌دهد و بر این اساس، به زندگی فردی و اجتماعی ما نیز معنا و جهت می‌بخشد. وانگهی، ایمان صرفاً متکی به تصدیق عقلانی و انتزاعی یک داستان درباره‌ی واقعیت نیست. ارزش‌ها، داور ما و سلوک ما در نهایت با ایمان واقعی ما تعیین می‌شوند. باید توجه داشت که ایمان دینی به طور ناگهانی و بی‌جهت پدید نمی‌آید، بلکه از رهگذر فرایندی مستمر از بدیل‌ها، سازگاری‌ها و بهینه‌سازی‌هایی که در مورد شکلی از ایمان قبلی صورت گرفته‌اند، به وجود می‌آید.

## ایمان در مسیحیت

رویکرد کاوشگرانه و پرسشگرانه به ایمان که هرگز از کند و کاو باز نمی‌ایستد، دارای اهمیت بسزایی است و واکنشی اصیل به موجود غایی به شمار می‌آید. زیرا خدا از نگاه خداپاوران واقعیتی است که حقیقت نهایی همه‌ی اشیا متکی به اوست. البته از دیدگاه مسیحیان، خداوند آن موجودی است که می‌داند، به یاد دارد، اراده می‌کند، تأثیر می‌گذارد و عشق می‌ورزد.<sup>۱</sup> ایمان اصیل، به خدا اذعان می‌کند و اعتقاد بر واقعیت خداوند

استوار است. در این نوع ایمان، عموماً فرض بر این است که اعتقاد به وجود خدا اعتقادی موجه است. البته این اعتقاد مورد قبول همگان نیست. برای مثال، چنین تفکری در نگاه جدید مغرب زمین به این مسائل، شدیداً تخطئه شده است. از این رو، آنسلم در تعریف خداوند می‌گوید: «موجودی که بزرگ‌تر از او قابل تصور نیست.» تعریف او به این مشخصه از خداوند اشاره دارد که خداوند از عالی‌ترین مرتبه‌ی وجود، ارزش و عقلانیت برخوردار است [۲۵۸-۲۵۷: ۱].

جان پیللی نیز در کتاب «احساس حضور خدا»، ایمان را شیوه‌ی اساسی از فهم معرفی می‌کند که نیازی به اثبات ندارد. ایمان راستین از واقعیات دیگری که در وجود خدایی که حاضر نیست و از دیده‌ها پنهان است، حاصل نمی‌آید، بلکه آگاهی از حضور فراگیر خداوند است؛ هرچند در پس حجاب‌های حسی از چشم‌ها پنهان است [۳۱۸-۳۱۷: ۱].

هارناک در «مسیحیت چیست؟» ایمان را یک نظریه نمی‌داند که با تکرار یکنواخت یا تحریف دل‌خواهانه از گذشته به ما رسیده باشد، بلکه حیاتی است که بارها و بارها از نو شعله‌ور می‌شود و اینک به نور خویش می‌درخشد [۱۳۸: ۱].

هم‌چنین آن‌جا که برای حل مشکل عدم قطعیت مبانی تاریخی ایمان، در بحث ایمان از تاریخ و وحی صحبت می‌شود، ایمان این‌گونه بیان می‌شود: ایمان موضعی نیست که بتوان قطعیت آن را از نظر عقلی اثبات کرد. کاربرد ایمان نشان می‌دهد، این واژه تعهدی است که لااقل به طور ضمنی می‌رساند، مستلزم خطر کردن است. ایمان بدین معناست که در فکر و عمل، در برابر موضوعی که نمی‌توان به لحاظ آفاقی حقانیت آن را معلوم داشت، سر تسلیم فرود آوریم. از دیدگاه بعضی، نیاز به چنین سرسپردگی به لحاظ وجودی اجتناب‌ناپذیر و از نظر انسانی هیجان‌انگیز است. ایمان چالشی است که به خودشناسی هم عمق می‌بخشد و هم شور و نشاط [۱۸۸-۱۸۷: ۱].

اساساً از منظر دین می‌توان گفت که ایمان اصیل بسته به اتکای کامل به خداست. کسانی که زمینه‌ای دارند که مؤمن شوند، با کوشش برای توجیه معقولیت آن برای خود و دیگران، خود را از امکانات ایمان اصیل محروم می‌سازند. اینان به جای اتکای همه‌جانبه به خداوند، می‌کوشند تا برای ایمان خویش در چارچوب



عقلانیت خاص خود، اطمینان خاطر بیابند [۲۹۷: ۱].

### ایمان در متون مقدس

از جمله منابعی که می‌توان از آن برای بررسی ماهیت ایمان از دیدگاه مسیح‌یاری طلبید، متون مقدس مسیحیت - نوشته‌های عهد جدید و عهد عتیق - است. این گونه یاد شده است که حضرت عیسی به مخاطبانش تأکید می‌کرد تا موضع ایمان را در پیش گیرند و نویسندگان عهد جدید نظرشان به داشتن این موضع در مورد خود حضرت عیسی است. البته باید دید که منظور ایشان از دعوت به ایمان چه بوده است.

برخی از آنان، ایمان را به گونه‌ای می‌بینند که گویی در زمره‌ی سایر فضایل قرار دارد. آنان معتقدند، خداوند ایمان را همان گونه که سایر امور را از ما مطالبه می‌کند، می‌خواهد.

در نامه‌ی اول قرنتیان، ایمان همراه با دو ویژگی امید و محبت از مخاطبان خواسته شده است. البته عمده‌ی معنایی که از ایمان مدنظر دارند، ایمان به منزله‌ی هسته‌ی آن «موضع جامع»<sup>۲</sup> در ارتباط با خداوند است.

بولتمان، ایمان را واژه‌ای برگزیده می‌داند، برای اشاره به آن چه خداوند در مورد رابطه‌ی انسان با خدا از انسان می‌طلبد. وی ایمان را مهم‌ترین واژه برای ارتباط خدا با انسان می‌داند. این واژه، هم

در «یونان دارای ادبیات باستانی» و هم در «یونان دارای زبان آمیخته با زبان‌های بیگانه»، به معنای اتکا، اطمینان و وثوق است. وقتی شواهدی چون: سوره‌ی مهم قهرمانان ایمان، باب ۱۱، اطمینان ساره به وعده‌های خدا در آیه‌ی ۱۱، اتکای ابراهیم به وعده‌های خداوند و به قدرت معجزه‌آسای او در آیات ۱۹-۱۷ و وثوق نوح به هشدارهای خداوند برای مبادرت به ساختن کشتی در آیه‌ی ۷ بررسی می‌شود، می‌بینیم که ایمان اساساً همان اتکا و اطمینان به خداوند است [۳۳-۳۰: ۵].

به طور کلی، ویژگی اصلی ایمان مسیحی تصدیق عیسی به عنوان خدا به همراه تصدیق معجزه‌ی رستاخیز اوست. هم‌چنین، از جمله چیزهایی که به عنوان ایمان در دین مسیح مطرح می‌شود، خود پیام است نه پذیرش اقرارآمیز آن. ایمان مسیحی نه تنها شامل این باور است که حضرت عیسی برای نجات گناهکاران به این جهان آمده است، بلکه آمدن او را به این جهان برای نجات انسان می‌داند. هم‌چنین، پطرس نیز در «یوحنا»، بلافاصله بعد از آن که اذعان به ایمان آوردن می‌کند، حضرت عیسی را فرزند مقدس خدا می‌داند.

در کتاب مقدس، علم به خداوند همان ایمان داشتن به خداوند معرفی شده است. در جای دیگر کتاب مقدس، به طور کلی «علم داشتن» به معنای اذعان است [۴۲-۴۱: ۵].



## ایمان در کلام مسیحی

توماس آکوئیناس که از چهره‌های اصلی و بانفوذ بحث کلامی ایمان است، ماهیت ایمان را ماهیتی معرفتی می‌داند. او ایمان را از نظر معرفت بین «رای»<sup>۳</sup> یا گمان و علم یا «دانش»<sup>۴</sup> می‌داند که در رای، احتمال خلاف وجود دارد، اما دانش یقینی است و ایمان هم مبتنی بر شواهد کافی و تامی نیست. به طور کلی علاوه بر این که آکوئیناس برای ایمان ماهیتی معرفتی قائل است [۲۵: ۴]، عنصر اختیار و در نهایت انقیاد و پذیرش از طرف خود انسان را برای ایمان آوردن، لازم می‌داند.

نظریه‌ی دیگر، تصریح شورای اول واتیکان است، مبنی بر این که: «اساس ایمان به گزاره‌های وحیانی، اعتماد به خداوند است، نه معلوم بودن صدق آن‌ها». این نظریه به دیدگاه دو طبقه‌ای ایمان موسوم است [۲۷: ۸]. این نظریه که نسبت به نظریه‌ی آکوئیناس درباره‌ی ایمان تعدیل یافته است، اساس ایمان را بر اعتماد به خداوند قرار می‌دهد که مربوط به باور قلبی است و اطمینان به صدق گزاره‌های وحیانی را برای ایمان آوردن لازم نمی‌داند.

هم‌چنین، مارتین لوتر نیز ایمان را همان اعتقاد به خداوند می‌داند؛ البته اختلافی جزئی میان نظر او و شورای اول واتیکان وجود دارد که پرداختن به آن در این مجال نمی‌گنجد.

تبلیخ معتقد است: «ایمان حالت دل‌بستگی نهایی آدمی و غایت قصوای اوست» [۱۳۰: ۱۰]. نکته‌ی کلیدی در تعریف وی از ایمان، غایت قصوی است. بنابر تعریف وی، ایمان از نوعی وابستگی سرچشمه می‌گیرد. در تعریف تبلیخ، جای متعلق دل‌بستگی خالی است. او برای متعلق غایت قصوی مطلبی ارائه نکرده است، اما با توجه به تفاسیری که از سخنان وی شده است و با توجه به زندگی دینی او می‌توان چنین برداشت کرد که وی تعلق و وابستگی را به وجود خداوند می‌داند، اما انسان‌ها در جریان زندگی شان از آن غافل مانده‌اند.

نظریه‌ی دیگر، نظر جان هیک است. این نظریه با تعریف از وحی گره خورده است. او وحی را حوادث خاصی می‌داند که در اثر دخالت خداوند در تاریخ به وجود می‌آیند و ایمان را از سنخ دیدن آن حادثه می‌داند؛ از سنخ دیدن، ادراک و تجربه کردن. او ایمان داشتن را به اکتشاف مؤمن از عنایت خداوند در جهان تعریف می‌کند. هرکس باید به نحوی در مسیر کشف فعالیت خداوند قرار گیرد، به گونه‌ای که بتواند حوادث وحیانی را ببیند و بشنود. با توجه به چنین تعریفی از ایمان، هرکس بر اساس اکتشافی که از عنایت خداوند در جهان دارد، مؤمن می‌شود و ملاک و معیار فهم صحت و سقم این تجارب، مشاهدات پیامبران است [۵۳-۴۸: ۸].

## ایمان در اسلام

صورت که آیا ابتدا باید متعلق ایمان را فهمید و اگر آن متعلق را پذیرفتیم، ایمان را باور کنیم؟ و یا داستان به گونه‌ای دیگر است؟ یعنی آیا می‌توان ایمان را وسیله‌ای برای فهم قرار داد؟ به این صورت که از ابتدا ایمان بیاوریم تا به وسیله‌ی ایمان به فهم برسیم؟ [۱۷۲-۱۶۵: ۹].

عده‌ای از متفکران، برای بررسی چستی ایمان، تمام هم و غمشان یکسره معطوف فهم این است که قرآن کریم و احادیث نبوی چه ساختاری برای ایمان ارائه می‌کنند.

## ایمان در قرآن

برای بررسی همه‌جانبه‌ی مفهوم و معنای ایمان در قرآن کریم، به مطالعه‌ی وسیع و تحقیقات فراوانی نیاز است که در این مجال نمی‌گنجد و ما در حد بضاعت به بررسی آن می‌پردازیم [۲۰۰-۱۸۵: ۸].

آیا اختیار جزء مفهوم ایمان است؟ آیات متعددی وجود دارند که در آن‌ها، به اختیاری بودن ایمان اشاره شده است؛ به گونه‌ای که ارتباط تنگاتنگی را بین ایمان آوردن انسان و اراده و خواست او نشان می‌هند. اگر ایمان اختیاری نبود، درخواست انجام آن با حکمت الهی تنافی داشت. آیات شاهد این مطلب

ایمان یکی از مهم‌ترین مقولات دینی است که در فرهنگ اسلامی به همراه شکر و تقوا، از اصول فضایل محسوب می‌شود و شناخت چستی آن اهمیت و ضرورتی خاص دارد. از سوی دیگر، مصداق مفهوم «ایمان» واقعیتهای مادی نیست، بلکه مانند امید، محبت، انتظار، آرزو، شکر و تقوا، واقعیتی روحی یا نفسانی است و نمی‌توان مصداقی از آن را پیش چشم همگان آورد تا بدانند که گوینده یا نویسنده از این لفظ چه اراده کرده است. دانستن مفهوم و معنای ایمان نیز برای پیروان دین و مذهب از اهمیت بالایی برخوردار است. زیرا خود را محتاج می‌دانند که بفهمند، ایمانی که از آن‌ها خواسته شده است و به واسطه داشتن آن سعادت‌مند می‌شوند، چیست؟ ایمانی که فقدانش در سعادت و نجات ایشان خلل وارد می‌کند.

اما رسیدن به این مقصود کار آسانی نیست. از بهترین منابعی که می‌تواند به ما یاری برساند، خود متون مقدس دین و مذهب است. برای مثال، وقتی به متن قرآن کریم توجه می‌کنیم، در جای جای آن لفظ ایمان و مشتقات آن به کار برده شده است و در آن از ویژگی‌های ایمان سخن به میان آمده است. محقق می‌تواند با کنار هم قرار دادن این ویژگی‌ها و توصیفات، مفهوم تقریباً مناسبی - در حد فهم و درک محقق - از این لفظ به دست آورد [۱۶۱-۱۵۷: ۹].

در باب چستی و ماهیت ایمان سؤالات فراوانی پیش روست؛ در مورد این که واقعاً ایمان از چه سنخی است؟ از سنخ وفاداری است یا اطاعت، اعتماد، تعلق و وابستگی، و یا از سنخ باور؟ شاید بررسی چستی ایمان با فهم انسان ارتباط داشته باشد. به این

مُرْسَلَةً  
عَلَيْهِ  
وَسَلَامٌ

عبارت انداز :

● «و آمنوا بما انزلت مصدقاً لما معكم و لاتكونوا اول كافر به...» [بقره/ ۴۱]: و بدان چه نازل کرده ام که مؤید همان چیزی است که با شماست - ایمان آرید، و نخستین منکر آن نباشید...  
● «و اذا قيل لهم آمنوا بما انزل الله قالوا نؤمن بما انزل علينا و يكفرون بما و راءه و...» [بقره/ ۹۱]: و چون به آنان گفته شود: به آن چه خدا نازل کرده، ایمان آورید، می گویند: ما به آن چه بر [پیامبر] خودمان نازل شده، ایمان می آوریم، و غیر آن را انکار می کنند...

● «... فليستجيبوا لي و ليؤمنوا بي لعلهم يرشدون» [بقره/ ۱۸۶]: ... پس باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.

هم چنین، هنگامی که قرآن کفار را نکوهش می کند، نشان دهنده ی اختیاری بودن کفر است. زیرا در غیر این صورت، نکوهش از کاری که انسان قدرت بر انجام آن یا ترکش را ندارد، امر نامعقولی است:

● «ان الذين آمنوا ثم كفروا ثم آمنوا ثم كفروا ثم ازدادوا كفرا لم يكن الله ليغفر لهم و لا ليهديهم سبيلاً» [نساء/ ۱۳۷]: کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند، آن گاه به کفر خود افزودند، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود.

● «قتل الانسان ما اكفره» [عبس/ ۱۷]: کشته باد انسان، چه ناسپاس است.

علاوه بر این، استعمال افعال ارادی در خصوص ایمان بر اطمینان ما در مورد ارتباط اختیار و ایمان می افزاید:

● «و من یرغب عن ملة ابراهیم الامن سفه نفسه و لقد اصطفیناه فی الدنیا و انه فی الاخره لمن الصالحین» [بقره/ ۱۳۰]: و چه کسی - جز آن که به سبک مغزی گراید- از آیین ابراهیم روی برمی تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم، و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود.

هم چنین، اگر ایمان پیدا کردن اختیاری نبود، کفر کفار جرم محسوب نمی شد و نوعی عصیان و سرکشی خوانده نمی شد. در آیه ۳۱ از سوره ی جاثیه، آیات ۲۱ و ۲۲ از سوره ی دخان و آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره ی مؤمن به این موضوع اشاره شده است. حتی برخی از آیات، به طور صریح اختیاری بودن ایمان را متذکر می شوند، از جمله:

● «ان هذه تذکرة فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً» [مزمّل/ ۱۹]: قطعاً این [آیات] اندرزی است، تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.

اگر ایمان آوردن اختیاری نبود، در قرآن بی فایده گی ایمان از روی ترس بیان نمی شد:

● «فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله الی قد خلت فی عباده و خسره نالک الکافرون» [مؤمن/ ۸۵]: و هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمانشان برای آن ها سودی نداد. سنت خداست که از [دیرباز] درباره ی بندگانش چنین جاری شده، و آن جاست که ناباوران زیان کرده اند.

● «ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون. انی لهم الذکری و قد جاء هم رسول مبین» [دخان/ ۱۳-۱۲]: [می گویند] «پروردگارا، این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم.» آنان را کجا [جای] بند گرفتن [باشد، و حال آن که به یقین برای آنان پیامبری روشنگر

آمده است.

مطلب دیگری که در رابطه با چیستی ایمان در قرآن کریم قابل بررسی است، رابطه ی آن با عمل است. از جمله آیاتی که عمل صالح را همراه با ایمان بیان می کند، آیه ی سوم از سوره ی عصر است:

● «الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر»: مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند.

و هم چنین، آیه ی ۱۶۲ از سوره ی نساء و آیه ی

۵۸ از سوره ی اعراف و آیات ۱۸ تا ۲۰ از سوره ی سجده.

از این آیات چندین نکته به دست می آید:

۱. عمل صالح گاهی همراه ایمان و گاهی بدون آن صورت می گیرد.

۲. ایمان بر برخی اعمال صالح عطف شده است.

۳. عمل صالح در کنار ایمان، باعث رستگاری است.

هیچ یک از این آیات بیان نمی کنند که عمل جزئی از ایمان

است. عمل خارج از ماهیت ایمان است، اما باعث

افزایش آن می شود؛ به طوری که با انجام عمل صالح

پایه های ایمان تقویت می شود. می توان

این گونه بیان کرد که عمل لازمه ی ایمان

م  
ر  
س  
م  
ع  
ل  
ی  
ک  
ل  
ی  
س  
ع  
ل  
ی  
ک  
ل  
ی  
س

است و از جمله مسائل مهمی است که در تقویت ایمان به یاری انسان می‌شتابد. در واقع، عمل صالح از ثمرات ایمان است. کسی که ایمان دارد، عمل صالح انجام می‌دهد و ایمان مؤمن با انجام عمل صالح تقویت می‌شود.

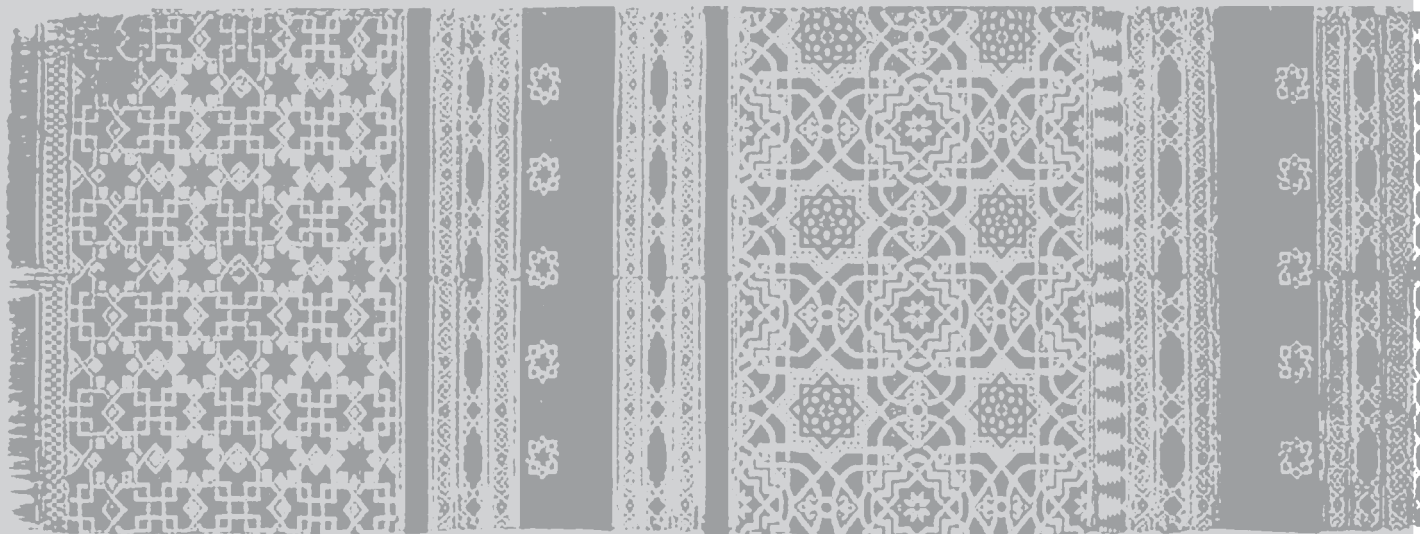
از مفاهیم دیگری که می‌توان از آن با توجه به قرآن کریم در فهم معنای ایمان استفاده کرد، کلمه ی کفر است. تقابل و تضاد بنیادی میان کفر و ایمان در این زمینه ما را راهنمایی می‌کند. از جمله آیاتی که در این زمینه یاری می‌رسانند، آیه ی زیر است:

● «فاما الذین امنوا و عملوا الصالحات فهم فی روضه یحبرون . و اما الذین کفروا و کذبوا بایاتنا و لقاء الاخره فاولئک فی العذاب محضرون» [روم/ ۱۶-۱۵]: و اما آن‌ها که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند، در باغ بهشت به شادی می‌گذرانند، و آن‌ها که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، به عذاب دوزخشان حاضر آورند.

در این دو آیه تفاوت سرنوشت مؤمن و کافر نشان داده شده است.

● «یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الكتاب یردوکم بعد ایمانکم کافرین، و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم آیات اللّٰه و فیکم رسوله و من ینصم باللّٰه فقد هدی الی صراط مستقیم» [آل عمران/ ۱۰۱-۱۰۰]: ای ایمان آوردگان، اگر از گروهی که به آن‌ها کتاب داده شده است، پیروی کنید، آنان شما را پس از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند، و چگونه کافر می‌شوید در حالی که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و فرستاده ی او در میان شماست؟ و هر که به خداوند متوسل شود، به یقین به راه راست هدایت یافته است.





نمی‌یابیم .

مطلب دیگر اقرار زبانی است که گروهی از مرجئه آن را در مفهوم ایمان داخل می‌دانستند [۷۰: ۷]، به طوری که عده‌ای از آنان فقط به اقرار زبانی اکتفا کرده و شرط معرفت را برای تحقق ایمان لازم ندانستند. در این دیدگاه، ایمان می‌تواند با شرک جمع شود. هم چنین، آنان عمل را از مفهوم ایمان خارج کردند و کوشیدند، با آوردن مفاهیمی از قبیل تسلیم، خشوع و... در داخل حوزه‌ی مفهومی ایمان، به نوعی فقدان عمل را در حوزه‌ی ایمان جبران کنند [۸۱-۶۷: ۸].

#### حنفیه

ابوحنیفه ایمان را عبارت از معرفت به خداوند و تصدیق قلبی او و اقرار زبانی می‌داند، ولی به هر حال عمل را از حوزه‌ی مفهومی ایمان خارج می‌داند. ما تردیدی، شارح بزرگ مکتب حنفی، ایمان را قابل تبیین به وسیله‌ی معرفت و عقل نمی‌داند.

#### اشاعره

در بحث ایمان، تفکر اشعری بسیار متأخر از مرجئه است، ولی طرح و پرداخت منظم این فرقه به مباحث ایمان، ویژگی و تمایز خاصی به این مکتب داده است. اشعری بر دیدگاه اهل حدیث صحه می‌گذارد و مذهب خود را همان مذهب اهل حدیث معرفی می‌کند. او طبق نظر اهل حدیث می‌گوید: «ایمان هم قول است و هم عمل؛ از این رو هم کاستی می‌گیرد و هم افزونی» [۸۵: ۸]. و در جای دیگر، تعریفی کاملاً مباین با تعریف قبلی ارائه می‌دهد و ماهیت ایمان را فقط تصدیق می‌داند. وی در کتاب

این آیه نشان می‌دهد که ایمان و کفر هم‌زمان با هم در دل و اندیشه‌ی کسی جمع نمی‌شود و همین امر نشان‌دهنده‌ی تفاوت و تقابل این دو مفهوم است [۳۸۱: ۲].

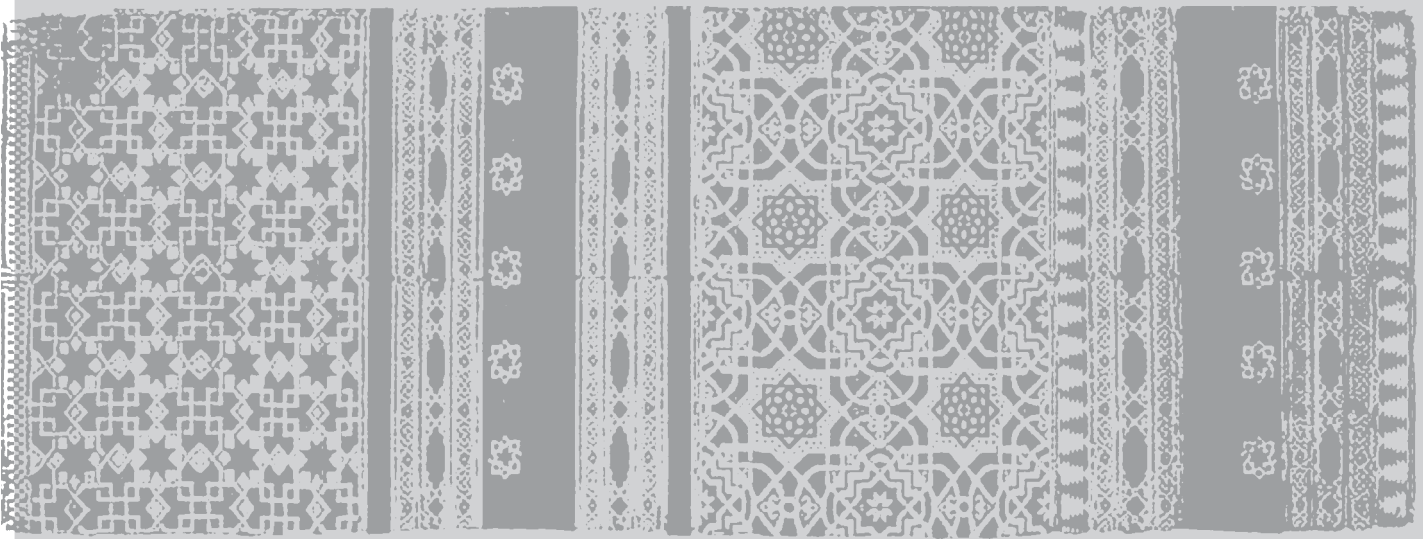
#### ایمان در کلام اسلامی

علی‌رغم وجود پرسش «ایمان چیست؟» در زمان پیامبر، به نظر می‌رسد که بیشتر درباره‌ی متعلق ایمان و یا سایر احکام مربوط به آن سخن رفته است. ما در این جا به بررسی دیدگاه‌ها و خصوصاً تعاریفی که در برخی فرق اسلامی درباره‌ی ایمان وجود دارد، می‌پردازیم. [۵۹-۶۰: ۸].

#### مرجئه

تفکر این گروه بر عکس خوارج، مانع از تکفیر سریع دیگران بود. البته اینان در تبیین دقیق این مسائل دچار اختلاف شدند، به طوری که این اختلاف آن‌ها را به ۱۲ فرقه پراکنده کرد. مرجئه ایمان را امری ظاهری نمی‌دانستند و به تبیین آن بر اساس معرفت پرداختند. آن‌ها معتقد بودند که ایمان، بدون معرفت محقق نخواهد شد، ولی در تبیین متعلق اختلاف داشتند. یکی از این متعلق‌ها، معرفت به رسول بود؛ به این صورت که: «آیا معرفت به رسول شرط ایمان است یا نه؟»

گروهی از آن‌ها که معرفت به خدا و پیامبر او را به عنوان شرط اصلی ایمان پذیرفته بود، عقیده داشت که معرفت اجمالی به آن چه پیامبر آورده، برای ایمان داشتن لازم است. به طور کلی، وقتی به نظرات متعددی که در این فرقه مطرح است، نظر می‌افکنیم، تحلیل و بررسی دقیق و آشکاری از معرفت به عنوان متعلق ایمان



برای او خالص گردانند، و نماز بر پا دارند و زکات بدهند، و دین پایدار همین است.

تأکید ایشان بر این که ایمان اسم شرعی است، می تواند به دو معنا باشد:

۱. شارع در اختصاص دادن برخی از مصادیق تصدیق لغوی به اسم ایمان نقش دارد.
۲. اساساً ایمان از معنای لغوی خود خارج شده و معنای جدیدی گرفته است.

که این گونه می توان بیان کرد که ایمان شرعی مورد خاصی از ایمان لغوی است [۱۶۹-۱۵۹: ۸].

#### شیعه

در این جا به بررسی آثار بزرگان شیعه می پردازیم:

از نوشته های شیخ مفید می توان نظریه ی برابری ایمان و معرفت را دریافت. ایمان در نظر وی خصوصیتی عقلی و بنابراین محو ناشدنی است [۱۲۱-۱۲۰: ۸].

سید مرتضی، ایمان را از سنخ تصدیق می داند. وی در کتاب «الذخیره» این گونه از ایمان یاد می کند: «ایمان تصدیق قلبی است؛ یعنی اگر کسی به خدا و به آنچه خداوند معرفت آن را لازم کرده است تصدیق کند، مؤمن است و نیازی به اقرار زبانی نیست» [۱۲۳: ۸].

شیخ طوسی در تعریف ایمان این گونه می گوید: «ایمان فقط تصدیق قلبی است و معرفت خداوند و اذعان نفسانی است به آنچه که خداوند اقرار و اذعان به آن ها را لازم کرده است و اقرار لازم نیست.»

«اللمع فی الرد علی اهل الزيغ و البدع»، بر خارج بودن عمل از مفهوم ایمان تأکید دارد. از جمله تعاریف دیگری که در این مکتب از ایمان شده، این است که: «ایمان عبارت است از علم و تصدیق، و کفر عبارت است از جهل و تکذیب. تا وقتی که تکذیب نیاید که متضاد ایمان است، ایمان باقی است» [۸۹: ۸]. این تعریف هم مشابه تعریف اللمع است. هم چنین تفتازانی ایمان را فعل قلب<sup>۵</sup> و از سنخ تصدیق می داند و عمل را خارج از حوزه ی مفهومی ایمان می داند. به طور کلی در فرقه ی اشاعره تعاریف زیادی از ایمان به میان آمده که محور اصلی اکثر آن ها بر این است که ایمان از سنخ تصدیق است و ایمان همراه با اقرار زبانی است.

#### معتزله

اینان در تحلیل مفهوم ایمان به معنای لغوی آن توجهی ندارند، زیرا معتقدند: ایمان، اسلام و دیگر اسامی به کار رفته در متون اسلامی، همگی از معنای لغوی به معنای شرعی نقل شده اند: آنان برای یافتن معنای ایمان به سراغ خود متون اسلامی رفتند. ادعای ایشان مبنی بر داخل بودن عمل در مفهوم ایمان است؛ به طوری که اگر کسی از عمل دست بکشد، از گروه اهل ایمان خارج است. از نظر معتزله، معنای دینی دین، اسلام و ایمان یکی است و همگی از اسمای مدح اند. آنان برای اثبات سخنانشان به آیاتی چون آیه ی ۵ سوره ی بینه استناد کرده اند:

● «و ما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الزكوه و ذلك دين القيمه»: و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را پرستند، و در حالی که به توحید گراییده اند، دین را



در کلام مسیحی- اعم از کاتولیک و پروتستان- نیز موضوع ایمان مورد گفت و گوی جدی بوده و هست و هریک از دو فرقه‌ی یادشده، درباره‌ی تحلیل ماهیت ایمان دیدگاه خاصی ارائه کرده است.

وقتی به حوزه‌ی کلامی اسلام نظر می‌کنیم، با نظریات بسیار متعدد و پراکنده‌ای از ایمان در فرق اسلامی مواجه می‌شویم. اشعریان ماهیت آن را تصدیق و شهادت به حقانیت خدا و رسول و دستوره‌ای آنان دانستند و آن را از سنخ تصدیق همراه با اقرار زبانی معرفی کردند. معتزله ایمان را برابر با عمل به وظیفه برشمردند و تصدیق به خدا و رسول رانیز در قلمرو وظیفه‌ی آدمی قرار دادند. ایمان در منظر برخی عالمان شیعی، هم‌ردیف معرفت قرار گرفت و در دیدگاه برخی دیگر، با الهام از قرآن، به معرفت همراه با انقیاد و تسلیم محض در برابر خدا تعریف شد. در مکتب شیعه نیز ایمان مترادف با معرفت و تصدیق معنا می‌شود.

به اجمال می‌توان این‌گونه بیان کرد که ایمان مقوله‌ای ارادی است، زیرا در متون دینی و مذهبی، به آن امر شده است. پس پیداست که ایمان فعلی ارادی است. طبق روایات و آموزه‌های دین اسلام، ایمان چیزی غیر از دوست داشتن نیست؛ البته آن دوست داشتنی که اطاعت، لازمه‌ی آن باشد و ارتباط دوست داشتن، با دل آدمی است. می‌توان گفت، یکی از شرط‌های ایمان همانا اشتیاق به عمل بر مبنای تعهدات خویش است. همان‌گونه که عشق و علاقه موجب تغییر متعلقات وفاداری است و باعث تغییر علاقه و اعتنای انسان می‌شود، ایمان به خداوند هم جهت دید، علایق و اعتناها را تغییر می‌دهد. هرچه ایمان قوی‌تر شود،

خواجه طوسی در جایی نظر بزرگان کلام شیعی را در مورد ایمان می‌پذیرد و در جای دیگری، ایمان را عبارت از تصدیق قلبی و اقرار زبانی می‌داند [۱۲۸-۱۲۷ و ۱۲۵ : ۸].

ملاصدرا، مبنای تعریف از ایمان را آیات قرآن قرار داده است و با استفاده از آیاتی که محل ایمان را قلب می‌دانند و عمل صالح را عطف به ایمان نشان داده‌اند، به این تعریف از ایمان رسیده است که ایمان با علم و تصدیق یکسان است [۱۳۳ : ۸]. می‌بینیم که نظر اکثر بزرگان شیعه مبنی بر برابری مفهوم ایمان با تصدیق است و برداشت آن‌ها از تصدیق همان معرفت است.

### جمع‌بندی

با توجه به آیات قرآن کریم روشن شد که ایمان براساس تردید و شک شکل نمی‌گیرد، بلکه محتاج باور قلبی و علاوه بر آن، تسلیم و خشوع در برابر خداوند است. بنابراین ایمان از جایگاه بالاتری نسبت به علم برخوردار است و صرف دانستن نیست.

در عهد قدیم، تعبیراتی چون تصمیم جسورانه و تصمیم حاکی از اطمینان به خدا از ایمان شده است. مفاد کتاب مقدس یا الهیات اهل کتاب نشان می‌دهد که مسئله، مسئله‌ی باور کردن است، نه اثبات کردن. آنان جان کلام را در اعتماد کردن، ثبات قدم و وثوق داشتن می‌دانند و غالباً همراه با حرمت نهادن به یک شخص نه یک گزاره، یعنی وثوق شخصی و قلبی در یک رابطه‌ی قلبی است. از نظر اهل کتاب، ایمان دینی عبارت است از وفاداری و سرسپاری، و مشتمل بر حد معینی از شهامت و راسخ بودن در برابر خطرات نیز هست. چنان‌چه در بسیاری از آیات و عبارات عهد جدید، ایمان را نقطه‌ی مقابل بیم و اضطراب می‌یابیم.



دفتر انتشارات کمک آموزشی

## آشنایی با مجله های رشد

مجله های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش، با این عناوین تهیه و منتشر می شوند:

مجله های دانش آموزی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی - منتشر می شوند):

- رشد کودک (برای دانش آموزان آمادگی و پایه ی اول دوره ی ابتدایی)
- رشد نوآموز (برای دانش آموزان پایه های دوم و سوم دوره ی ابتدایی)
- رشد دانش آموز (برای دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی).
- رشد نوجوان (برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی).
- رشد جوان (برای دانش آموزان دوره ی متوسطه).

مجله های عمومی (به صورت ماهنامه - ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می شوند):

- رشد آموزش ابتدایی، رشد آموزش راهنمایی تحصیلی، رشد تکنولوژی آموزشی، رشد مدرسه فردا، رشد مدیریت مدرسه
- رشد معلم (دو هفته نامه)

مجله های تخصصی (به صورت فصلنامه و ۴ شماره در سال منتشر می شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی راهنمایی تحصیلی)، رشد برهان متوسطه (مجله ی ریاضی، برای دانش آموزان دوره ی متوسطه)، رشد آموزش معارف اسلامی، رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش تاریخ، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، رشد آموزش زبان
- رشد آموزش زیست شناسی، رشد آموزش تربیت بدنی، رشد آموزش فیزیک، رشد آموزش شیمی، رشد آموزش ریاضی، رشد آموزش هنر، رشد آموزش قرآن، رشد آموزش علوم اجتماعی، رشد آموزش زمین شناسی، رشد آموزش فنی و حرفه ای و رشد مشاور مدرسه.

مجله های رشد عمومی و تخصصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران

و کادر اجرایی مدارس

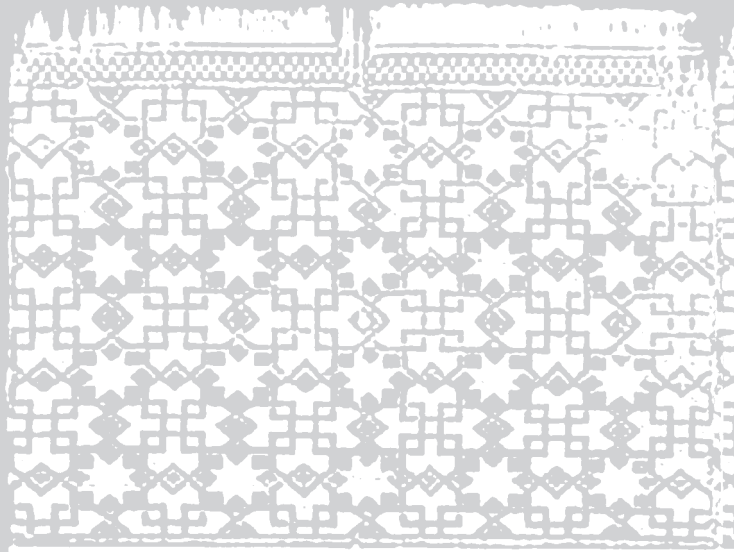
دانشجویان مراکز تربیت معلم و رشته های دبیری دانشگاه ها

و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می شوند.

◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهرشمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش

و پرورش، پلاک ۲۶۸، دفتر انتشارات کمک آموزشی.

تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸



خودبینی کمتر می شود و چنین نتیجه ای در رفتار و عمل مشخص است.

ایمان واقعی ایمانی است که مانند انگیزه ای بسیار قوی، آدمی را به کارهای خوب برانگیزد. ایمان آن چیزی است که وقتی در دل مؤمن قرار می گیرد، به او سکینه و آرامش می دهد. و چون نام خدا یاد شود، دل او را بلرزاند و احساسی لطیف نسبت به اظهار کلمات وحی منزل داشته باشد. هم چنین، انسان مؤمن طبعاً گفته های معبود خود را می پذیرد، خواسته های او را انجام می دهد، به انحراف گوناگون با او راز و نیاز می کند، امیدوارانه چشم به وعده هایش می دوزد، اتحاد با او را تجربه می کند و مانند آن. لیکن شاید نکته ی مهم تر دقیقاً این باشد که ایمان چنین اموری را از انسان مطالبه می کند. بدین معنا که نبود چنین اعمال و حالاتی، ضعف و نقص ایمان فرد را نشان می دهد.

زیرنویس

۱. میان ایمان خدا باورانه که مؤمنان ادعایی در کلیسا اظهار می دارند و ایمان واقعی که به محض خروج از درب های کلیسا با آن به زندگی خود جهت می بخشند، شکافی عمیق وجود دارد [۲۱ و ۲۲: ۱].

۲. موضع تامی که نویسندگان عهد جدید در ارتباط با خداوند و به نمایندگی از طرف او، ما را به خدا فرامی خوانند [۳۲: ۴].

۳. رأی عبارت است از اعتقاد بی شاهد و بی دلیل [۲۲: ۶].

۴. دانش عبارت است از اعتقاد مبنی بر شواهد کافی بر صدق [۲۲: ۶].

۵. تفتازانی بیان خود را با استفاده از آیات ۲۲ سوره ی مجادله، ۱۰۶ سوره ی نحل، ۴۱ سوره ی مائده و ۱۴ سوره ی حجرات مستدل می کند.





## برگ اشتراک مجله های رشد

### شرایط

- ۱- واریز مبلغ ۲۰/۰۰۰ ریال به ازای هر عنوان مجله درخواستی، به صورت علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سه راه آزمایش (سرخه حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.
- ۲- ارسال اصل رسید بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک.

- ♦ نام مجله: .....
- ♦ نام و نام خانوادگی: .....
- ♦ تاریخ تولد: .....
- ♦ میزان تحصیلات: .....
- ♦ تلفن: .....
- ♦ نشانی کامل پستی: .....
- استان: ..... شهرستان: .....
- خیابان: .....
- پلاک: ..... کد پستی: .....

- ♦ مبلغ واریز شده: .....
- ♦ شماره و تاریخ رسید بانکی: .....
- ♦ آیا مایل به دریافت مجله درخواستی به صورت پست  
پیشتاز هستید؟ بله  خیر

امضا:

نشانی: تهران - صندوق پستی مشترکین ۱۶۵۹۵/۱۱۱  
نشانی اینترنتی: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)  
پست الکترونیک: [info@roshdmag.ir](mailto:info@roshdmag.ir)  
☎ امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶-۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴  
☎ پیام گیر مجلات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲ - ۸۸۸۳۹۲۳۲

### یادآوری:

- ♦ هزینه برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی، بر عهده مشترک است.
- ♦ مبنای شروع اشتراک مجله از زمان وصول برگ اشتراک است.
- ♦ برای هر عنوان مجله برگ اشتراک جداگانه تکمیل و ارسال کنید (تصویر برگ اشتراک نیز مورد قبول است).

### منابع

۱. ای. پیلین، دیوید. مبانی فلسفه ی دین. ترجمه ی گروه مترجمان. انتشارات مؤسسه بوستان کتاب قم. قم. چاپ اول. ۱۳۸۳.
۲. ایزوتسو، توشیهیکو. مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن مجید. ترجمه ی فریدون بدره ای. انتشارات سهند. ایران. چاپ اول. ۱۳۷۸.
۳. باریور، ایان. علم و دین. ترجمه ی بهاءالدین خرمشاهی. انتشارات مرکز نشر دانشگاهی. چاپ دوم. ۱۳۷۴.
۴. براون، کالین. فلسفه و ایمان مسیحی. ترجمه ی طاطه وس میکائیلان. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۵.
۵. پلاتینیجا، آلوین. عقل و ایمان. ترجمه ی بهناز صفری میان رشیدی. انتشارات اشراق. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۶. لاک، جان. در باب ایمان و عقل و ساحت های متمایز آن ها (سیری در سپهر جان- مقالات و مقولاتی در معنویت). ترجمه ی مصطفی ملکیان. انتشارات نگاه معاصر. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۷. جعفریان، رسول. مرجئه: تاریخ و اندیشه. نشر خرم. قم. ۱۳۷۱.
۸. جوادی، محسن. نظریه ی ایمان در عرصه ی کلام و قرآن. انتشارات معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی. قم. چاپ اول. ۱۳۷۶.
۹. ملکیان، مصطفی. راهی به رهایی، جستاری در باب عقلانیت و معنویت. نشر نگاه معاصر. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۱۰. هیک، جان. فلسفه ی دین. ترجمه ی بهراد راد. انتشارات بین المللی الهدی. چاپ اول. ۱۳۷۲.

